

مقاله که ذیلاً از نظر قارئین محترم میگذرد مربوط بفوائد و اثرات قانون انحصار تجارت است که یکماه قبل در انجمن محترم ادبی طهران مطرح گردیده ادبا و شعرا در اطراف آن شعر ساخته و آقای میرزاسید ابراهیم خان نوشین نثر آن فواید قانون را نوشته و در انجمن قرائت نموده اند چون درج آن برای قارئین محترم خالی از فایده نبود بدرج آن مبادرت گردید:

## قانون انحصار تجارت

### واثرات آن در بهبودی اوضاع عمومی مملکت

بهبودی اوضاع مملکت بسته برواج تجارت و رواج تجارت بسته به بهبودی اوضاع مملکت است و این هر دو لازم ملزوم یک دیگر:

اگر تجارت و ثروت نباشد تشکیلات اداری و وضع اجتماعی یک ملت نامنظم و مختل و در نتیجه آن ملت مستعد اضمحلال و فنا است زیرا یک ملت فقیر و کمرسنگه قادر بحفظ تشکیلات و اصلاح مبانی اجتماعی و زندگی خود نیست - نیز اگر وضع اجتماعی و تشکیلات اداری ملتی مرتب و منظم نباشد تجارت و تولید ثروت بی اشکال نیست زیرا بدون راهشوسه و بدون امنیت جانی و مالی و قضائی و بدون وسائل حمل و نقل و غیره تجارت و استحصال ثروت اگر محال نباشد لامحاله بی اندازه مشکل است.

پس بطور مقدمه گوئیم: در قرون اخیره مخصوصاً از آغاز عصر حاضر و وقوع جنگ بین المللی بشبوت رسیده که تمام این جنگهای خانمانسوز و اتلاف کرورها و ملیون ها نفوس بشری و نزاعهای بین ممالک عالم همه جنگ اقتصادی و برای پیدا کردن بازار تجارت و بالنتیجه کسب سیادت و برتری بر دیگران است اگر بانظر دقیق بمقاصد و سیاست دول استعماری و باوضاع مستعمرات آنها دقت

شود جای تردید برای احدی باقی نمی ماند که تنها فایده و نتیجه که دول مزبور از مستملکات و مستعمرات خود میبرند نتایج اقتصادی است که از معادن و محصول خام و مواد اولیه آنجا برای تجارت، خودشان استفاده نمایند و ضمناً برای فروش متاع و اجناسشانهم در آنجا بازار خوبی تهیه کنند و الا اداره امور مستملکات بجز رنج و زحمت و مخارج زیاد و تلفات بیشمار انسانی حاصلی ندارد.

اگر دیده میشود که گاهی از قشون مستعمرات نیز استفاده میکنند نه از جهت سیاست جهانگیری و کسب شهرت و اهمیت است بلکه آنها برای تأمین مقاصد اقتصادی است که مبادا سایرین بآن منابع طمع کنند و آن لقمه از دهان آنها گرفته شود امروزه جز سیاست اقتصادی هیچ سیاستی در دنیا پا بر جا و حکمفرما نیست مقتدرترین و معظم ترین ممالک دوی زمین مملکتی است که وضع اقتصادیش از سایر ممالک بهتر و عهود تجاریش با اغلب ممالک بیشتر باشد.

این معنی در نظر ارباب خیرت و بصیرت بطوری واضح و روشن است که محتاج بذکر شواهد و امثال و اقامه دلیل و برهان نیست و فقط بطور مقدمه ذکر شد اصل مطلب این است که وطن عزیز ما (ایران) از قدیم الایام بشهادت تواریخ موجوده مملکت زراعت و تجارت باشناخته شده و این دو عامل مهم حیات بشری که از تزاوق مبادله و اجناس رفع حوائج ضروری انسانی است جزو مبادی دیانت قدیم ایران و در دیانت اسلام نیز تأیید و تأکید شده است بطوریکه همیشه از طرف ایرانیان بانظر دیانتی باین دو موضوع نگاه می شده

طبیعت هم در تهیه عوامل زراعت و وسائل تجارت نسبت بمملکت ما زیاد بغل نکرده و بقدر کافی از زمین های ایران غلات و مواد قابل صدور تجارت بهره برداری میشود البته با توجه بیشتری از طرف دولت و ملت و تشریک مساعی و همت در تبدیل آلات و تغییر اسباب کار روز بروز بهتر خواهد شد و در سایه امنیت



بی نظیر و شوسه شدن راه‌ها و کثرت وسایل حمل و نقل موتوری تجارت هم سر و صورتی خواهد گرفت و بجزریان طبیعی خواهد افتاد.

اما باید بدانیم با آنکه مملکت ما حاصلخیز و افرادش غالباً تاجری پیشه میباشند و سایل کار هم از همه جهت فراهم گردیده علت بحرانها و بی پولی و کسادیهای بازار تجارت چیست و طرق بهبودی اوضاع اقتصادی کدام؟

اول علت بحران را بحث میکنیم: همه میدانند که زندگانی بشر روز بروز و ساعت بساعت در ترقی است - مدنیت امروزه خیلی تکلفات و تجملات تحمیل بشر کرده و بشر را از بساطت زندگی اولیه بیرون آورده است - تنها غلات و مواد اولیه کامل زندگانی بشر نیست

بشر امروز بدون قوه برق و تلفون و تلگراف و ماشین آلات و وسایل حمل و نقل بخاری و موتوری و انواع وسایل تفریح و تفنن و اقسام البسه و قماشهای لطیف و ظریف و هزاران چیزهای دیگر که ضروری زندگی امروزی است نمیتواند زندگی کند و این کیفیت حیوانی تمام ملل عالم سرایت کرده است.

واضح است که این نحو زندگی برای مللی که بقوه علم و نیروی صنعت طرق استحصال ثروت را بدست آورده‌اند چندان زیان آور نیست بلکه زائد بر احتیاجشان را بممالک دیگر میفروشند و ازینراه جلب فایده هم میکنند اما بیچاره مللی که فاقد علم و صنعت و برای تمام لوازم جزئی و کلی زندگی محتاج بغیر باشد.

ما ایرانیان هم از جمله مردمان دنیا هستیم که بدون تولید ثروت مصرف کننده ثروت میباشیم یعنی گذشته از لوازم اولیه زندگی و مواد غذایی برای کلیه ما بحتاج زندگی خودمان به ملل صنعت کار و ماشین دار محتاجیم - واقعاً برداشت زندگی مخلوط شرقی و غربی مانیز طوری است که از اشیاء تجملی و تفنی گرفته تا میخ پرده و سوزن خیاطی و بلکه جزئی تر از آن را از خود نمیتوانیم تهیه کنیم

و احتیاج بغیر داریم اگر هم بعضی صنایع در مملکت هست در مقابل صنایع و اختراعات محیر العقول دیگران تحت الشعاع واقع گردیده و بعلاوه نسبت باحتیاجات مملکت غیر قابل ذکر است ( صحبت از امروز است و الا در قدیم خیلی صنایع داشته ایم )

ملاحظه کنید از طرفی تجارت و مواد قابل صدور ما از قبیل فرش و تریاک و پنبه و پشم کتیدرا و حنا و برنج و خشکبار و غیره غیره خیلی کم و محدود و از طرف دیگر احتیاجات ضروری زندگی پانزده میلیون نفوس تخمینی ایران روز افزون و از حد احصاء و تصور خارج است و اگر بخواهیم حرف حسابی گفته باشیم واقعاً صادرات ما ده یک واردات مانست یعنی اقلاً ده یک مصرف ثروت تولید ثروت نمیکنیم.

اگر فی المثل شخصی عوائد ده ساله خود را در یک سال مصرف کند حقیقه او را سفیه و بی عقل میخوانند همچنین است سفیهانه عمل و غیر عاقلانه یک ملت تاریخی! در این صورت یقیناً حاجت باثبات نیست و در نظر هر صاحب نظری روشن است که ادامه این شکل زندگی زبان بخش برای یک ملت و دولت عاقلی که دست باصلاحات زده غیر ممکن و نتیجه دوام آن مرکز اجتماعی و اعظم بحلال قطعی و ورشکستگی طبیعی عمومی است.

حالا که تا اندازه علت بحرانها و بی پولی و کسادبها معلوم شد خوب است طریق بهبودی اوضاع را نیز جستجو کنیم:

تمام طرق چاره جوئی را که از مد نظر تحقیق و عمل بگذرانیم تنها راه علاج این است که بین واردات و صادرات تعادل ایجاد نمایم بدون اینکه مجبور باشیم جلو سیل بنیان کن واردات را بگیریم زیرا انهم مضراتی دارد که در جای خود ثابت است.



برای ایجاد تعادل نیز حتما نظارت دولت لازم است زیرا خود مردم قادر بحفظ موازنه تجارتي نیستند و به تجربه ثابت شده است که اقدامات و دخالت مردم و طبقه تجار علاوه بر آنکه مفید فایده نبوده احیاناً مضر هم بوده است.

بنا بر این اگر ملت ایران در نظر انصاف و بادر نظر گرفتن مقتضیات وقت و سیاست های اقتصادی بخواهد بفکر چاره باشد قطعاً باین حقیقه خواهد رسید که بهترین و عملی ترین فکرها همین فکر بگری است که دولت کرده و مفیدترین قوانین مصوبه مجلس همین قانون مقدس است که به تعبیر بنده قانون نظارت در تجارت است نه انحصار تجارت زیرا دولت تاجر نیست و بتوسط این قانون نخواسته است تجارت را منحصر بخودش بکند بلکه مطابق با واقع این است که دولت بوسیله ادارات تجارت و گمرک در تجارت و تعدیل واردات و صادرات نظارت میکنند

این نظارت دولت همانطور که در قانون بودجه و تعدیل خرج و دخل مملکت ضروری است در این امر مهم اجتماعی هم لازم و واجب است فلسفه بودجه نویسی این است که هیچوقت از پیش از دخلی که خرج نشود و قرض که رشکن برای ملت پیش نیاید و بعبارة اخری بلالذات عوائد پیش بینی شده در هر سال خرجهای لازم و ضروری بعمل آید - همچنین تجارت هم که از بعضی جهات شعبه از سیاست است و باهم تماس دارند ( چنانکه در غالب ممالک مشاهده میشود که تجارت وسیله پیشرفت سیاست است ) باید تحت نظارت و مراقبت دولت باشد که تعادل میزان واردات و صادرات بهم نخورد خصوصاً درین قبیل مواقع که کار يك ملت بورشکستگی کشیده باشد و چاره جوئی از وظائف حتمی دولت باشد .

اصولاً تجارت یعنی داد و ستد : هر قدر بفروشیم همان قدر باید بخریم - هر قدر تولید ثروت کنیم همانقدر مصرف باید بکنیم و بالاخره هر قدر صادر کنیم

همانقدر باید وارد کنیم تارشته های امور اجتماعی و اقتصادی مملکت از هم گسیخته نشود و برای سایر اصلاحات لازم زمینه و پول و مجال بدست آید

اینک بطور خلاصه فوائد و نتایج حتمی اجرای این قانون را شرح میدهیم:

۱ - ثروت مملکت از مملکت خارج نمیشود و هر مبلغ جنسی و وختیم همانقدر جنس وارد مملکت خواهیم کرد.

۲ - تجار صادر کننده جنسی که اخیرا از حیث اجبار فقط دلال امتعه خارجی بودند برای صدور جنسی از مملکت و توسعه کسب خودشان مجال بدست خواهند آورد.

۳ - ورود جنس بایران تحت اختیار وارد کنندگان نیست و بعوض خرس و خروس و مارمقوائی و اشیاء بی مصرف باصرف تجملی اشیاء طرف حاجت و ضروری وارد مملکت خواهد شد.

۴ - جنس قابل صدور ایران تحت نظارت و مراقبت دولت و رقابت باجناس ورودی بتدریج زیاد و خوب خواهد شد.

۵ - صنعت کاران ایرانی تشویق و بواسطه کم و کران بودن بعضی امتعه خارجی در صدور ایجاد وسیله برآمده همان اجناس را تهیه میکنند و کم کم مقداری امتعه خارجی جای خودش را بامتعه و طنی خواهد داد.

۶ - بواسطه محدود شدن اجناس ورودی و حس احتیاج مبرم به بیشتر از آنها هموطنان و دولت در صدد تشکیل شرکتهای وارد کردن کارخانه هائی برمیایند که آن احتیاجات ضروری و مبرم را رفع کند.

۷ - موضوع تثبیت پول و عملی شدن قانون تغییر واحد پول که آنها بجای خود از مفید ترین و لازم ترین قوانین این دوره ولی مشروط بشرط حتمی وجود سرمایه و بهبودی اوضاع اقتصادی مملکت است به بهترین وجهی ناعین خواهد شد.



۸ - قضیه اسعار خارجی که آنهم بنوبه خود باعث يك ابتلای بزرگی برای مردم و دولت شده بود و عاقبت دولت مجبور شد قانون کنترل اسعار را بتصویب مجلس برساند ولی بعلت نداشتن اسعار دست دولت بسته بود اینک بر اثر اجرای این قانون دست دولت در اجرای آن قانون لازم هم باز گردیده میزان ترقی و تنزل بیمورد اسعار را که باز بچه سیاست بانك ها و بورس های خارجی شده بود از اختیار بانك های خارجی در آورده از این حیث هم بوحشت و اضطراب عمومی خاتمه خواهد داد .

۹ - بالاتر از آنکه تمام اقدامات اصلاحی دولت ما بموقع اجرا و عمل درمیآید یعنی وقتی که نگرانی از تمام شدن ثروت مملکت در بین نباشد و بلکه موجبات ایجاد ثروت هم فراهم گردد باخاطری فارغ و با بودجه متناسب دنباله اصلاحات اجتماعی و اداری گرفته میشود و برای بسط تشکیلات قضائی شوسه شدن راه های عمومی مملکت و ساختمان راه آهن - تقویت قوای دفاعیه و تأمینیه . توسعه تشکیلات معارفی - اعزام محصل بارویا - موضوع مهم شهرنشین کردن ایلات که از حال خانه بدوشی و غارتگری بیرون آیند و بالاخره برای سایر اصلاحات لازمه و مفید که تمام امور اداری و اجتماعی مملکت مانع و رادع بودجه در پیش نخواهد آمد بود و همین بهبودی در اوضاع اداری باعث رواج تجارت و بهبودی اوضاع اقتصادی خواهد شد

محققاً اگر با دقت بیشتری ملاحظه شود فوائد و نتایج اقتصادی این قانون بیش از اینهاست و این چند موضوع بطور کلی اشاره و فقط از نظر تأثیر در بهبودی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مملکت ذکر شد البته از نظر تجاری نیز مستلزم فوائد بیشماری است که ذکر آنها تخصص در امر تجارت را لازم دارد و از عهده بنده نگارنده خارج است .

ناگفته نماند که ممکن است بعضی اجناس طرف احتیاج بر اثر این قانون

ترقی فاحش نموده و تصور زیان و ضرری بشود ولی این تصور اگر هم خطا نباشد چندان مقرون بصواب نیست زیرا ( اولاً ) مبادله ثروت در خود مملکت میشود و بجنبه ثروت عمومی زیان نمیرساند ( ثانیاً ) این جزر و مداها همیشه در عمل تجارت ملحوظ بوده و ممکن است تعدیل هم بشود یعنی هر وقت دولت جنسی را که طرف حاجت عمومی است کم و گران دید بقدر لزوم بیشتر اجازه ورود خواهد داد و نگرانی کرانی و کمیابی آن مرتفع میشود ( ثالثاً ) بفرش اینکه واقعاً گاهی ضرر جزئی هم پیش بیاید در مقابل فواید دیگری که حتمی است قابل تحمل است و علی ای حال بهتر از وضع سابق است که پول در مملکت نباشد - مردم از هستی ساقط کردند - تجار دست روی دست گذاشته از بیکاری ملول و افسرده باشند و بالاخره تجارت بحال وقفه و تعطیل باقی بماند

البته اگر کسبه و تجار بخواهند از کرانی و کمیابی بعضی اجناس سوء استفاده و تعدی بمردم نمایند بر عهده بلدیة و سایر مقامات مربوطه است که جلو گیری نمایند.

بالجمله از تمام این مسطورات منافع کثیره اجرای این قانون واضح و تأثیر آن در بهبودی اوضاع عمومی مملکت معلوم و روشن میشود و در خاتمه باید گفت باز مزه های نا بهنگامی که در اطراف این موضوع شروع شده و همان زمزها و اظهار مخالفت دلیل برخوبی و نفع این قانون است تحقق این خوابهای شیرین منوط بحسن اجراء و حسن نیت و درجه وطن دوستی مأمورین مربوطه است

اگر قانون خوب اجرا شود همه این پیش بینی ها و خوش بینی ها صورت وقوع یابد والا بیش از خواب و خیالی نخواهد بود.